

يك بررسی جالب در بخش روانی بیمارستان روزبه

تحت نظر دکتر رضاعی

استاد کرسی روانی

ساعت ۶ صبح روز شنبه مورخه ۳۸/۱۲/۲۱ در بخش روانی مردانه بیماری بنام ع. د. مبتلا به مانی به بیماری بنام ع. ع. ۵۵ ساله مبتلا به P.G دشنام میدهد و او را دنبال می نماید بیمار مبتلا به P.G برای فرار از چنگ وی سه عدد شیشه پنجره را برای خروج از اطاق می شکند، در نتیجه هیاهویی در بخش ایجاد میشود که با دخالت پرستاران خاتمه می یابد.

ساعت ۸ صبح از هر يك از بیماران بخش مزبور خواسته شد که چگونگی واقعه را شرح دهند در نتیجه هر کدام از بیماران بموجب بیماری روانی خود جوابی دادند که مجموعه جوابها از لحاظ تنوع موضوع و جالب بودن از نظر وضع روانی خود بیماران بشرح زیر یادداشت شد:

بیمار تخت ۱ که اسکیزوفرنی داشته جواب داد: هیچ چیزی نشد.

« ۲ « تو کسیکومانی « : یکساعتی شلوغ شد.

(ترياك)

« ۳ « اسکیزوفرنی ساده « : هواری کشیدند.

« ۴ « جنون دوره ئی فرم « : چیزی کردند نمیدانم چه

افسردگی بود.

« ۵ « تو کسیکومانی (ترياك) « : بلند شد آمد آنجا ۲ و ۳

شیشه شکست بعد او را بستند.

« ۶ « صرع « : نمیدانم. من که نمیدانم.

بیمار تخت ۷ که نور استنی داشت جواب داد: از ساعت ۱۱ تا حال اظهار نگرانی میکرد میگفت آمپولی بمن زده اند از درد وجود خودش اضطراب داشت.

« ۸ « اسکیزوفرنی ساده « : همان آقا جا ربی که دست من بود گرفت و دور انداخت
 « ۹ « « مزمن « : نمیدانم بیدار بودم و نفهمیدم
 « ۱۰ « نقیصه عقلی « : یک جریانی است که ما بهتر نمیدانیم من خودم بی انضباطی نکردم و سرو صدا بالاخره بیرون بود.

« ۱۱ « اسکیزوفرنی ساده « : هیچ چیز نفهمیدم
 « ۱۲ « نقیصه عقلی « : من نفهمیدم.
 « ۱۳ « اسکیزوفرنی پارانوئید « : مریض شیشه را شکست نیم ساعتی سرو صدا طول کشید، شیشه را شکست

« ۱۴ « صرع (تخت خواب مجاور) « : مریض دیگری شیشه را شکست. چرا شکست؟ نمیدانم.

« ۱۵ « مانی « : هیچ طور نشد هر چه میل شماست نو کتر شما آن اثاثیه را شکست

- بیمار تخت ۱۶ که مانی داشت جواب داد: سلامتی جناب عالی دیشب پدر مرا در آوردند دو تاچک (تختخواب مجاور)
- « ۱۷ « هبه فرنی (تخت مجاور) « : شلوغ نشد .
- « ۱۸ « اسکیزوفرنی مزمن « : جز صدای سینی چائی که میگذارند . سرو صدائی نشد .
- « ۱۹ « تو کسیکومانی « : مشدعباس با داد و بیداد شب رفت خوابید و صبح باشد چند مرتبه باین طرف و آن طرف اطاق رفت و دو تا مشت زد و شیشه را شکست و شیشه شربت را بالاخره شب خورد با مقداری خرما و قند .
- « ۲۰ « تو کسیکومانی « : چه عرض کنم بنده فقط صدایش را شنیدم با صدای شیشه، چیز دیگری را ملتفت نشدم .
- « ۲۱ « اسکیزوفرنی بارانویید « : دیشب نزدیک سحر این مریض شیشه را شکست من خوابیده بودم در خواب حس کردم ولی بیدار نشدم پرستارها

این طرف و آن طرف
میدویدند ولی من بیدار
نشدم و آنها را در خواب
میدیدم .

بیمار تخت ۲۲ که اسکیزوفرنی داشت جواب داد: صبح بلندشد پرستارها بلند
شدند روی پنجره نمیدانم چه
توهمی
کرد پرستارها آوردند
نشاندندش .

« ۲۳ » کژخو « : این مریض که دو اخورد باشد
آن مریض را زد .

« ۲۴ » اسکیزوفرنی مزمن « : صبح هیچ خبری نشد من
هیچ نفهمیدم .

« ۲۵ » P.G « : دکتر ارشد چهار سوزن داد

به دکتری که قدش کوتاه
بود دو تا دیگر بهش داد
و آنها را مخلوط کرد وقتی
بمن زد از چاقو پشت مرا
بریدند و گرم شده باندازه
ایکه آنقدر لب خیا بان رفتم
لخت خوابیدم تا دم صبح
شیشه را شکستم چون بخاری
را زیاد گرم کرده بودند
مریض رو برو بمن فحش داد

باو هم دو کشیده زدم، وقتی
سؤال شد چرا شکستی
گفت دنبالم کرده بودند
ومن خواستم فرار کنم که
شیشه شکست .

اگر بجواب های بیماران توجه کنیم صحبت های مبتلایان باسکیزوفرنی همه
يك نواخت بوده و بترتیب عبارتند از :

- ۱- تخت ۱ اسکیزوفرنی جواب داده است هیچ خبری نشد.
- ۲- « ۳ « ساده « هواری کشیدند.
- ۳- « ۸ « « همان آقا جاروئی که دست من بود گرفت و دور انداخت .
- ۴- « ۹ « مزمن « نمیدانم بیدار بودم و نفهمیدم
- ۵- « ۱۱ « ساده « هیچ چیز نفهمیدم
- ۶- « ۱۸ « « جز صدای سینی چای که میگذارند سروصدائی نشد
- ۷- « ۲۴ « مزمن « هیچ خبری نشد و من هیچ نفهمیدم .

بطوری که ملاحظه میشود بیماران مبتلا باسکیزوفرنی مزمن و اسکیزوفرنی ساده در مقابل سروصدا و تحریکاتی که در محیط خارج روی داده بی اعتنا مانده و از آن همه داد و بیداد و صدای شکستن شیشه و فرار بیمار در اطاق چیز مهمی در ذهن آنها نقش نبسته است این وضع را اطباء پسکیا تر بصور مختلف توجیه میکنند .

یکی اینکه بیمار اسکیزوفرنی با محیط خارج قطع رابطه کرده است .

دوم آنکه بیمار اسکیزوفرنی بعالم درونی خود فرو رفته است .

سوم آنکه بیمار اسکیزوفرن وضع فعالی نداشته و در قبال تحریکات خارج تماشاچی بدون واکنشی است و نفع و ضرری از عوامل محیط خارج در ذهن او مترتب نیست.

چهارم آنکه بعلت فقدان نیروی بصیرت مقدار ذهنی محیط خارج نزد این بیماران ضعیف است می‌شنوند بدون اینکه گوش فرادهنمی‌بینند بی آنکه بنگرند بیماران اسکیزوفرنی اگر چه ظاهراً بیدارند ولی هشیار و بیدار کامل نیستند.

از نظر فیزیولوژی آنچه که مسلم است در موقع خواب ارتباط با محیط خارج وجود ندارد و ارتباط بسیار سطحی است و عمل‌اعضاء و احشاء خفت یافته سستی در نیروی عضلانی حاصل میشود و از این نظر میتوان اسکیزوفرنی را يك حالت خفت و ضعف بیداری دانست و چنانکه آبلی (۱) اظهار نظر نموده اسکیزوفرنی را هیپنو-فرنی (هوش خواب‌رفته) دانست و گیر و ضعف رابطه با محیط خارج را مربوط به ضعف عمل اعصاب رویشی دانسته است.

جواب دو بیمار که مبتلا با اسکیزوفرنی پارانوئید بودند. مریض تخت ۱۳: مریض شیشه راشکست و نیم‌ساعتی سروصدا طول کشید بیمار تخت ۲۱: دیشب نزدیک سحر مریض شیشه راشکست من خوابیده بودم در خواب حس کردم ولی بیدار نشدم پرستارها اینطرف و آنطرف میدویدند و من بیدار نشدم و آنها را در خواب میدیدم.

در این دو بیمار میتوان گفت یکی در حالت بیداری بوده و رابطه اش با محیط خارج برقرار بوده و دومی نیز که خود را خواب میدیده از اوضاعی که در بخش روی داده بی اطلاع مانده و آمد و شد پرستاران را در خواب حس کرده است. از اینرو بیماران نوع پارانوئید را عده‌ای از اطباء روان‌شناس در دسته‌هدیانی‌ها میدانند که از جهت رابطه با محیط خارج طبیعی بوده و صرفاً هدیان و توهمات آنها در مواقع محدودی معرف کسالت و بیماری است.

اما بیمارانی که مبتلا به مانی و توکسیکومانی بوده‌اند جواب تقریباً طبیعی

داده و از اوضاعی که اتفاق افتاده جواب‌های صحیحی داده‌اند.

نتیجه این بررسی آنکه ضعف ارتباط بیمار با محیط خارج که در اسکیزوفرنها دیده میشود و اطباء مختلف آنرا ضعف دقت و یا فرو رفتگی در عالم درونی یا هوش خواب رفته میدانند مرحله‌ایست از فعالیت‌زهنی در عالمی بین خواب و بیداری که بعلت اختلال متابولیسم یا ضعف اعصاب رویشی دوام یافته است.

